

پیش از هر چیز

نوشتن درباره هنر جهان باستان، شکافتن و شرح دادن آن از ابعاد مختلف، از نوع مقولات سهل و ممتنع است؛ سهل از این نظر که تقریباً تمام آثار هنری و مضامین و مفاهیم و معناهای نهفته و آشکار آن، تاکنون در محک ارزیابی پژوهندگان قرار گرفته و شرح داده شده است و ممتنع از این حیث که امروزه در سایه حفاریها و اکتشافات علمی دیگر، بسیاری از آثار هنری و مفاهیم نهفته در آنها از پرده به در می آیند و معانی و موضوعات و مضامین تازه‌ای پیش رو می‌نهند که نیازمند فحص و بررسی و اصلاح دوباره‌اند. این بازبینیها و بازکاویها، حتی طرز نگرش و تحلیل پژوهندگان پیشین را نیز شامل می‌شوند که با قالبی خاص از نگاه و نظر، به هنر جهان باستان نگریده و چه بسا تصویری خودخواسته از فرایندهای هنری یک سرزمین ارائه داده‌اند که امروزه پرت و خارج از بحث می‌نماید.

این دو اصل، ورود به این میدان وسیع و پرمایه را دشوار می‌سازند و تا حدودی مانع ابداع و ابتکار در نقد و نظر می‌گردند. نگارنده با آگاهی از این دو اصل و نیز پژوهشگریها و پویندگیهای رایج و با نیت توشه و مایه رساندن به دانشجویان عرصه هنر، وارد این دنیای بی‌اندازه پیچیده و پرآب‌وتاب شد و پایه کار را بر منابع بنیادی و دانشورانه و نظروریزهای علمی هنرپژوهان دانشور گذاشت تا کار نهایی از عیبهای روشی و لغزشها و از تقلیدگری صرف و سطحی‌نگری خالی باشد؛ از این رو در طبقه‌بندی مطالب، زاویه دیدی برگزیده شد که تفاوتی چشمگیر با سایر پژوهشها داشته باشد.

در این مقام، محوریت و اولویت بر هنر ایران زمین داده شد؛ چون اگر هم به

لحاظ زمانی بر هنر بین‌النهرین پیشی نداشته، دست کم با آن همپایه و هم‌زمان بوده طوری که تعامل هنری بین این دو سرزمین نکته‌آموز است. اگر سومریان را از اقوام کهن ایرانی همچون عیلامیان، بدانیم چنانکه هنرپژوهان بدان تأکید ورزیده‌اند، این محوریت و تعامل معنی می‌یابد؛ به دیگر سخن، این کتاب پنجره‌ای است رو به سوی هنر جهان باستان که مکان اصلی این پنجره ایران زمین بوده و از این زاویه دید به سایر هنرهای جهان باستان نگاه شده است. این مثال البته مبتنی بر آن نیست که منزلت و مکان هر سرزمینی، در هنرها، نادیده انگاشته شده یا حد و حجم همیاری آنها در جهان هنر به نظر نیامده است، برعکس، سنت سابقه هنری هر سرزمینی با تکیه بر نوآوریها و بداعتهای آن در عالم هنر، کندوکاو و مصادیق هنری هریک، بر پایه داده‌های منابع، ارزیابی و تحلیل می‌شود تا آگاهی روشنی از فرایندهای هنری آنها حاصل شود. در واقع این پنجره به خواننده یادآور می‌شود که تاریخ ایران باستان فقط یکی از چند روایت هنری تاریخ باستان است و این روایت‌های هنری، بیان‌کننده تنوع و چندگونگیها و نیز شباهتهای فرهنگی هستند و بر پیچیدگی هنرهای تجسمی تأکید می‌ورزند و خواننده ایرانی را به اندیشه در این پیچیدگیها و چندگونگیها و شباهتها فرا می‌خوانند.

خواننده در هریک از بخشها با موارد مشابهی همچون عامل جغرافیا و عامل مذهب روبه‌رو می‌شود که این اطلاعات برای بررسی هنر هر سرزمین ضروری هستند. در این موضوعات خصوصیات و ویژگیهای هر سرزمینی، از نظر جغرافیایی و مذهبی، بدون گسسته‌های فکری با سایر موارد، بررسی و ارزیابی و میزان تعامل و تأثیر آنها روشن می‌شود. این مسئله به خوانندگان کمک می‌کند تا با میزان اثرگذاری این عوامل در گستره تاریخ هنر سرزمینها آشنا شوند. در ضمن تلاش شده است تا در پایان هر بخش یک جمع‌بندی فشرده از فرایندهای هنری هر منطقه ارائه شود تا موازین همیاری آنها در موارد هنری جهان باستان معلوم و شفاف گردد.

در خاتمه هر بخش تصاویر مربوط بدان بخش گنجانده شده‌اند و بیشتر این تصاویر رنگی هستند تا خصوصیات و جزئیات اثر، چشمگیرتر و روشن‌تر ارائه شود. این تصاویر طوری انتخاب شده‌اند که خصوصیات هنری هر سرزمین در آنها

منعکس شده باشند. اینها خصلتهای معماری، نقاشی، پیکرتراشی و هنرهای صناعی را برای خوانندگان روشن می‌سازند و در خوانندگان حس نزدیکی به هنرمندان، معماران و پیکرتراشان و ... را پدید می‌آورند و در ضمن نقش و سهم این هنرمندان را در زیباسازی و زیانمایی جامعه‌شان نشان می‌دهند.

تلاش نگارنده به این مسئله معطوف بود که تلفظ اصطلاحات و اسامی هر سرزمینی با توجه به تلفظ زبانی آن سرزمین باشد و بیشتر تلفظهایی پذیرفته شدند که در فارسی، دست کم در صد سال اخیر، به کار رفته و رواج و پذیرش همگانی یافته‌اند. این امر در مورد سرزمینهایی چون چین، هند، روم، یونان، مصر و ... مصداق دارد.

گفتنی است از جنبه‌های شوق‌انگیز فعالیت‌های انسانی دستاوردهای خلاق هنری او در گذر زمان‌اند که رابطه‌ای تنگاتنگ با نحوه اندیشه او دارند. نحوه اندیشه انسان در تنوع و چندگونگی آثار هنری او از بناها و پیکره‌ها گرفته تا نقاشیها و حجاریها منعکس شده است؛ بنابراین هدف اصلی این کتاب وصف ایده‌ها و هنرها و بیان سهل و ساده از فرایندهایی است که انسانهای جهان باستان از خود بروز داده‌اند و ما امروزه آنها را به عنوان هنر جهان باستان می‌شناسیم.

ماهیت آموزشی این کتاب موجب شد تا نگارنده از ارجاعات پیاپی در متن بپرهیزد و این کار را فقط موقوف به بعضی از اطلاعات شاذ و نادر کند. اما شمار زیادی از منابع، چه فارسی و چه لاتین، در قسمت مربوط به منابع کتاب به فراخور هر بخش آورده شدند که در تألیف کتاب حاضر از منابع اصلی بودند. گروه باستان‌شناسی «سمت»، از دکتر سعیدی گرفته تا خانم برهمند، در سامان‌یابی این کتاب، از پیشنهاد تألیف تا چاپ آن سهمی درخور داشتند، سپاس از این بابت. از دختر نازنینم پوپک که رنج خواندن پیش‌نویس دل‌ناپذیر این کتاب را بر خود هموار ساخت و آن را به حروفچینی دلپذیر تبدیل کرد، سپاس دارم. این کتاب اگرچه برای دانشجویان باستان‌شناسی فراهم شده، طوری تنظیم یافته است که برای دانشجویان سایر رشته‌های هنر هم مفید باشد.